



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش های سیاسی

روسیه بازیگر بزرگ آینده اروپا



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: ظریف

■ نکات برجسته

- تمایل به همکاری راهبردی میان اتحادیه اروپا و روسیه
- بی اعتمادی اتحادیه اروپا به آمریکای ترامپ و بروز خلاء امنیتی در اروپا
- نیاز اتحادیه اروپا به منابع انرژی روسیه و احداث خطوط لوله انتقال گاز طبیعی نورداستریم از روسیه تا آلمان
- ضرورت ایجاد ساختار امنیتی مستقل اروپایی در قبال تهدیدات خارجی

■ مقدمه

روابط کشورهای اروپایی و روسیه در طول تاریخ روابطی پیچیده با فراز و فرودهای زیادی بوده است. در مقاطعی مسکو توانسته با پایتخت‌های بزرگ اروپایی پیوندهای سیاسی و استراتژیک برقرار کند و در مقاطعی دیگر به دشمن شماره یک کشورهای اروپایی تبدیل شده است. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد موجب نزدیک شدن اتحادیه اروپا و مسکو به یکدیگر و افزایش تعاملات میان آنها در حوزه‌های مختلف به ویژه حوزه تجارت و انرژی و حتی امضای موافقتنامه شراکت راهبردی گردید. با روی کار آمدن «ولادیمیر پوتین» در سال ۲۰۰۰ میلادی و انتخاب وی به ریاست جمهوری روسیه، دولت مستقر در مسکو به دنبال احیای امپراطوری تزاری و قدرت نظامی اتحاد جماهیر شوروی رفت که در این راه البته موفقیت‌هایی نسبی نیز کسب کرده است. در این سال‌ها اتحادیه اروپا مهم‌ترین شریک تجاری روسیه محسوب می‌شود و ۵۰ درصد تجارت خارجی روسیه با دولت‌های عضو این اتحادیه صورت گرفت. پس از بحران اکرین و الحاق شبه جزیره کریمه به روسیه در مارس سال ۲۰۱۴، روابط مسکو و کشورهای اروپایی تیره شد و اتحادیه اروپا با انتقاد شدید از مسکو، تحریم‌های گوناگونی علیه روسیه وضع کرد که تاکنون نیز ادامه دارد. با این حال اروپا می‌داند که شراکت راهبردی با مسکو یک ضرورت انکارناپذیر است. روسیه تامین کننده اصلی انرژی اروپا محسوب می‌شود و با روی کار آمدن ترامپ مشخص شده دیگر اروپا نمی‌تواند برای تامین امنیت مرزهایش، مانند گذشته متکی به نیروهای نظامی و امنیتی آمریکا باشد. اکنون این سوال ذهن بسیاری از پژوهشگران حوزه اروپا را به خود مشغول کرده که با توجه به اینکه کشورهای اروپایی دیگر مانند گذشته نمی‌توانند روی حمایت‌های سیاسی و امنیتی آمریکا حساب کنند روابط آنها با کشور روسیه در آینده چگونه خواهد بود و آیا این فرصت در اختیار روسیه قرار خواهد گرفت که به بازیگری بزرگ در عرصه سیاسی، اقتصادی و امنیتی اروپا تبدیل شود؟

■ رویکرد همگرایی در اروپا

این یک واقعیت است که در چند دهه اخیر کشورهای اروپایی بیش از ملت‌های دیگر به دنبال ایجاد وحدت و همگرایی منطقه‌ای بوده‌اند. به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل برای میل به همگرایی و همکاری تجربیات تاریخی این کشورها بوده است. اروپا در طول قرن‌های متوالی عرصه جنگ‌های خونین و ناامنی‌های گسترده بوده که ریشه آن به رقابت‌های سیاسی و اقتصادی دولت‌های اروپایی بازمی‌گردد. وقوع دو جنگ جهانی در اروپا این قاره را کاملاً ویران کرد اما پس از پایان جنگ

جهانی دوم کشورهای اروپایی تلاش کردند تا برای تکرار نشدن تجربیات دردناک گذشته میان خود، وحدت سیاسی و اقتصادی ایجاد کنند. البته فضای ایدئولوژیک نظام دوقطبی و سپس آغاز جنگ سرد این فرصت را از اروپا گرفت اما اروپائیان به تدریج اولین گام‌های عملی را برای دستیابی به یک اتحاد سیاسی و منطقه‌ای برداشتند. جامعه اقتصادی اروپا در سال ۱۹۵۷ میلادی براساس «توافقنامه رم» میان شش عضو مؤسس شامل (بلژیک، فرانسه، ایتالیا، لوکزامبورگ، هلند و آلمان غربی) بوجود آمد. جامعه اقتصادی اروپا رونق بسزایی به منطقه اروپای غربی در دوران جنگ سرد بخشید و آنرا به صورت یک قدرت اقتصادی در نظام بین‌الملل مطرح کرد.

بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دوقطبی اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۳ بر اساس «توافق ماستریخت» بوجود آمد و کشورهای اروپای شرقی که از دام کمونیسم رها شده بودند به عضویت این اتحادیه درآمدند. به تدریج اتحادیه اروپا قدرت سیاسی و اقتصادی بیشتری پیدا کرد و به یکی از موفق‌ترین سازمانهای منطقه‌ای جهان تبدیل شد و این طبیعی بود که بکار گرفتن سیاست خارجی و امنیتی مشترک از سوی اتحادیه اروپا هم در دستورکار قرار گیرد. یکی از حساس‌ترین مسائل در سیاست خارجی و امنیتی اروپا نحوه تعامل با روسیه بود. باید توجه داشت روسیه و کشورهای اتحادیه اروپا در ۵۰۰ سال گذشته از پیوندهای فراوانی در زمینه دستاوردهای علمی، مرزهای جغرافیایی و میراث فرهنگی غنی برخوردار بوده‌اند که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. با سقوط کمونیسم و گسترش موضوع «جهانی شدن» حقیقت وابستگی میان این دو قطب بیش از پیش آشکار شده و ابراز علاقه نسبت به همکاری میان روسیه و اروپا از سوی دولتمردان دو طرف بارها تکرار شد. گرچه برخورد روسیه در برابر گسترش سریع اتحادیه اروپا به سوی شرق چالش‌برانگیز نبود اما پیوستن و پذیرش دولت‌های اروپای مرکزی به اتحادیه اروپا با سوءظن و تردید مقام‌های روس همراه بود و همین امر موجب پیچیده‌تر شدن روابط میان روسیه و اتحادیه اروپا در سال‌های بعد شد.

اتحادیه اروپا امیدوار است همانطور که توانست بسیاری از کشورهای شرق اروپا را به عضویت این سازمان درآورد بتواند زمینه‌های همگرایی با روسیه را نیز بیش از گذشته فراهم کند و «گفتگوهای راهبردی» میان مسکو و بروکسل قوت بگیرد. با این حال متغییر اکراین روابط این دو بازیگر بزرگ نظام بین‌الملل را مورد تهدید قرار داده است. روس‌ها در تحولات اوکراین نشان دادند که دیگر حاضر به پذیرش رویکرد تهاجمی غرب (ناتو و اتحادیه اروپا) در مرزهای خود نیستند و رفتارهای اروپای غربی و آمریکا در حوزه نفوذ خود را بی‌پاسخ نخواهند گذاشت.

■ گفتگوهای قالب در روابط روسیه و اتحادیه اروپا

۳- گفتگو متنوع‌سازی

۲- گفتگو آزادسازی

۱- گفتگو ادغام

۱- گفتمان ادغام

این گفتمان بر مزایا و سود متقابل در روابط روسیه اتحادیه اروپا تاکید دارد البته نوع فهم این گفتمان در میان هر دو طرف متفاوت است. اتحادیه اروپا خود را شریک پیشرفته تری می داند و چون خود را به لحاظ تجربه همگرایی و همچنین ادغام بازار پیشرو می داند، بر این باور است که روسیه باید خود را با قوانین اتحادیه اروپا وفق دهد. از این رو، اتحادیه اروپا معتقد است، مسکو باید به مرور زمان خود را با درخواست‌های اتحادیه وفق دهد و بتواند به شریک مطمئنی تبدیل شود، چرا که روسیه تنها از این طریق می‌تواند به توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دست یابد. اما رویکرد روسیه به گفتمان ادغام بر ضرورت همگرایی عمیقتر دو طرف تاکید دارد، هر چند بر این باور است که هم اتحادیه اروپا و هم روسیه باید ببینند که نباید نوعی عدم تقارن یک طرفه میان دو طرف وجود داشته باشد، بلکه باید یک وابستگی متقابل ایجاد شود.

۲- گفتمان آزادسازی

این گفتمان همانند گفتمان ادغام به ابعاد اقتصادی روابط اتحادیه اروپا و روسیه و نه ابعاد امنیتی - سیاسی اشاره دارد. البته این گفتمان بر خلاف گفتمان ادغام، روابط میان دو طرف را نامتقارن نمی‌داند و بر این باور است که این روابط برابر است. البته این برابری و تعادل بر حسب شرایط اقتصادی تبیین می‌شود. اصل اساسی این گفتمان این می‌باشد که روابط اقتصادی میان کنشگران در عرصه‌ی سیاست باید از مداخلات دولت‌ها مصون باشد. در بسیاری از موارد، گفتمان آزادسازی بر تلاش برای شفاف‌سازی و افزایش کارایی فضاهای اقتصادی مشترک تاکید دارد. در این حوزه نیز تفسیر اتحادیه اروپا و مسکو از این گفتمان متفاوت است. در حالی که اتحادیه اروپا نسبت به مخالفت روسیه برای باز کردن بازار انرژی خود به روی سرمایه‌گذاران غربی انتقاد دارد، بر دسترسی محدود شرکت‌های روسی به بازار انرژی اتحادیه اروپا تاکید می‌کند. هر چند هر دو کنشگر بر این باور هستند که سطح آزادسازی اقتصادی آنها کافی است، اما هر دوی آنها نسبت به میزان باز بودن دروازه‌های بازارهایشان نسبت به همدیگر معترض هستند.

۳- گفتمان متنوع سازی

گفتمان متنوع سازی از دو گفتمان دیگر بسیار متفاوت است. درحالی که دو گفتمان ادغام و آزادسازی بر اولویت داشتن روابط اقتصادی تاکید دارد، گفتمان متنوع‌سازی بیشتر بر پیامدهای سیاسی و به ویژه پیامدهای امنیتی وابستگی اتحادیه اروپا به روسیه تمرکز می‌کند. گفتمان متنوع‌سازی هر چند از واژگان مشابه دو گفتمان دیگر استفاده می‌کند، اما تفاوت‌های میان دو شریک را پنهان می‌کند. گفتمان متنوع‌سازی اتحادیه اروپا، اتکالی بیش از حد به تعداد محدود کشورهای تولیدکننده را خطرناک می‌داند. روسیه نیز تقریباً هیچگاه این تفسیر را نمی‌پذیرد و در مقابل در خصوص متنوع ساختن کشورهای ترانزیت صحبت به میان می‌آورد. پیامد تفسیرهای متفاوت این دو بازیگر نیز مختلف است اگرچه از دید مقام‌های روسیه این کشور شریکی مطمئن برای غرب محسوب می‌شود و معتقد است، طرح‌های حمل و نقل انرژی باید از سوی اتحادیه اروپا مورد استقبال قرار بگیرد، اما گفتمان متنوع سازی اتحادیه اروپا این تلاش‌ها را چندان به رسمیت نمی‌شناسد، چرا که هدف اصلی اتحادیه کاهش وابستگی به روسیه است.^۱

۱ - آقای، سیدداوود، ثمودی، علیرضا، «حوزه های اختلاف و رقابت میان اتحادیه اروپا و روسیه»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۲، تابستان ۱۳۹۲

■ امنیت انرژی

در دو دهه گذشته مهم‌ترین مسئله در روابط کشورهای اروپایی و روسیه مسئله انرژی بوده است. نیاز روزافزون اتحادیه اروپا به انرژی خصوصاً گاز روسیه به عنوان بزرگترین دارنده منابع گاز طبیعی جهان موجب شده است که روابط مسکو- بروکسل از حساسیت ویژه اقتصادی برخوردار شود. دولت کرملین در سال‌های اخیر نشان داده است توانسته وجهه خود را از یک ابرقدرت نظامی رو به زوال تغییر دهد و روسیه به عنوان ابرقدرت جدید در حوزه انرژی مطرح شود. از نظر بسیاری از تحلیلگران مسائل بین‌الملل، دیدگاه‌های فردی پوتین در زمینه منابع طبیعی روسیه، تأثیری مستقیم بر سیاست انرژی این کشور داشته است. استدلال اصلی پوتین این است که منابع طبیعی روسیه نه تنها توسعه اقتصادی کشور را در پی دارد، بلکه تحکیم موقعیت بین‌المللی کشورش را نیز تضمین خواهد. پوتین همچنین معتقد است مدیریت منابع روسیه باید با برنامه‌ریزی دولتی انجام گیرد. اولین و مهم‌ترین مؤلفه توسعه، پتانسیل‌های موجود در منابع طبیعی است که تضمینی برای امنیت اقتصادی روسیه محسوب می‌شود. سپس اینگونه استدلال می‌کند که روسیه نمی‌تواند برای مدت طولانی صادرکننده مواد خام باشد، بلکه توسعه صنایع تولیدی داخلی مهم‌ترین ابزار تبدیل این کشور به یکی از قدرت‌های بزرگ اقتصادی جهان خواهد بود. پوتین شش وظیفه راهبردی دولت برای مدیریت و نظارت بر منابع طبیعی را اینگونه برمی‌شمارد:

۱. افزایش نظارت دولت بر صادرات و واردات منابع طبیعی

۲. تغییر ترکیب منطقی ابزارهای اداری و اقتصادی (منظور ابزارهای بازاراست) نظارت دولت بر منابع طبیعی

۳. خلق سیستمی کارا از ارگانهای دولتی مرتبط با مدیریت در حوزه منابع طبیعی که شامل وضع وظایف و مبنای همکاری‌های آنها شود.

۴. پایه‌گذاری یک مرجع قانونی برای ترغیب نوآوری و سرمایه‌گذاری در زمینه بهره‌برداری از منابع طبیعی

۵. بهینه‌سازی بهره‌برداری و افزایش تنوع منابع سرمایه‌گذاری در تولید، مصرف و حفاظت از منابع طبیعی

۶. اطمینان بخشی از طریق تشریح کامل و واضح حقوق و وظایف ارگان‌های فدرال و فدراسیون روسیه در حوزه منابع طبیعی^۱

قبلاً روسیه در توافق با اروپا خط لوله انتقال گاز طبیعی سیبری به اتحادیه اروپا (آلمان) را به سرانجام رسانده است. این خط لوله که به «نورداستریم» یا جریان شمال معروف است از بستر دریای بالتیک عبور می‌کند سبب شده که برای اولین بار گاز روسیه بدون عبور از اوکراین و لهستان به اروپای غربی برسد. نورد استریم ۱۲۲۲ کیلومتر امتداد دارد، که از شهر «ویبورگ»، در کشور روسیه آغاز شده و پس از عبور از بستر دریای بالتیک، در شهر «گرایفسوالد»، آلمان پایان می‌یابد. ظرفیت انتقال گاز طبیعی این خط لوله روزانه معادل ۱۵۰ میلیون متر مکعب می‌باشد.^۲

۱ - دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، موسوی، سیدرحمان، «شاخصه‌های راهبرد امنیت انرژی روسیه در قبال اتحادیه اروپا»، فصلنامه آفاق امنیت، سال چهارم، شماره دوازدهم، پاییز ۱۳۹۰

۲ - ویکیپدیا

یکی دیگر از اقدامات روسیه برای افزایش نفوذ اقتصادی در اروپا پروژه انتقال گاز «نورد استریم ۲» است. این پروژه در صورت تکمیل می‌تواند سالانه ۵۵ میلیارد مترمکعب گاز را به اروپا ارسال کند که در مجموع "نورد استریم" و "نورد استریم ۲" سالانه ۱۱۰ میلیارد مترمکعب گاز را به اروپا صادر می‌کند. دولت آمریکا درباره وابستگی اروپا به صادرات گاز از روسیه هشدار داده و تاکید کرده به محض اینکه این خط لوله آماده شود اروپا قدرت مانور مهم خود در برابر روسیه را از دست خواهد داد.^۱



۱ - خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۷/۱۱/۷

باید توجه داشت راهبرد انرژی روسیه در قبال اتحادیه اروپا در کنار اهداف اقتصادی دارای آماج امنیتی و راهبردی است :

۱- روسیه در چارچوب نظریه وابستگی متقابل و دکترین امنیت به هم پیوسته، تلاش می‌کند با حفظ و حتی افزایش وابستگی اروپا به انرژی خود ضریب امنیت ملی اش را افزایش دهد، چون امنیت اروپا در گرو تأمین امنیت روسیه خواهد بود.

۲- روسیه درصدد است با حفظ، ایجاد و گسترش شبکه‌ها و خطوط انتقال انرژی به اروپا در فضای پیرامونی خود، محیط امنیتی منطقه ای امن به ویژه در خارج نزدیک ایجاد کند.

۳- احداث و حفظ خطوط انتقال انرژی به اروپا از کشورهای مختلف منطقه حائلی بین روسیه و ناتو به وجود می‌آورد که ضمن تضمین امنیت ملی روسیه قدرت چانه زنی این کشور با آمریکا، اروپا و ناتو را افزایش می‌دهد.

۴- انرژی باعث ارتقای جایگاه و نقش آفرینی روسیه در نظام بین‌الملل می‌شود که امکان پیگیری منافع امنیتی آن در سطح فرامنطقه‌ای اروپا را افزایش می‌دهد.^۱

در مقابل اروپا نیز با آگاهی از وابستگی نامتقارن به انرژی روسیه و پیامدها و تهدیدهای امنیتی ناشی از آن درصدد برآمده است با متنوع سازی منابع انرژی از قدرت چانه زنی روسیه بکاهد. یکی از اقدامات اروپا خط لوله « نابوکو » است که قرار است گاز طبیعی را از منابع دریای خزر به اروپا از طریق آذربایجان، گرجستان، ترکیه، بلغارستان، رومانی، مجارستان و اتریش منتقل کند.



۱ - دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، موسوی، سیدرحمان، «شاخصه های راهبرد امنیت انرژی روسیه در قبال اتحادیه اروپا»، فصلنامه آفاق امنیت، سال چهارم، شماره دوازدهم، پاییز ۱۳۹۰

■ امنیت اروپا

بعد از جنگ جهانی دوم اتحاد جماهیر شوروی بزرگترین تهدید امنیتی برای اروپا محسوب می شد که کشورهای اروپایی توان مقابله با آن را نداشتند. همین مسئله زمینه ساز انعقاد پیمانی شد که امنیت اروپای غربی را در سایه نیروی نظامی آمریکا تعریف می کرد. پیمان دفاعی آتلانتیک شمالی (ناتو) نظامی جدید با هدف حفظ امنیت جمعی، ممانعت از نزاع کشورهای عضو با یکدیگر و متعهد نگه داشتن آمریکا به حفظ امنیت اعضا تشکیل شد و تاکنون نیز به حیات خود ادامه داده است.

در این سالها سه دیدگاه نسبت به ناتو وجود داشت:

۱- اروپاگرایان: کشورهایی چون فرانسه بر لزوم تقویت توان نظامی و ارتش مستقل اروپایی تأکید دارند. این دسته همچنین به دنبال افزایش نقش اتحادیه اروپا در ناتو و عضویت کشورهای اروپای شرقی در این سازمان می باشند. نمود این امر را می توان در تنش های موجود میان ناتو و سیاست دفاعی و امنیتی اروپا مشاهده کرد. (آمریکا سیاست دفاعی - امنیتی اروپا را در صورت تقویت توان نظامی اروپا که طبیعتاً منجر به تقویت ناتو شود، می پذیرد، اما صرفاً در صورتی این امر را می پذیرد که اتحادیه اروپا هم سطح آمریکا نشده و پیرو آن باقی بماند.)

۲- آتلانتیک گرایان: کشورهایی چون انگلیس که معتقد است امنیت اروپا بر عهده ناتو باشد و باید مانع کاهش تعهدات نظامی آمریکا به اروپا شد.

۳- کشورهای بی طرفی چون آلمان که به دنبال جلب رضایت همه طرفها هستند.^۱

اروپائیان در این سالها از یک ثبات امنیتی قابل اتکا برخوردار بودند اما دو سال است شرایط عوض شده است و بسیاری از کارشناسان امروز اروپا تردیدهای جدی درباره قابل اتکا بودن آمریکا دارند و پیشنهاد می کنند اروپا باید از وابستگی امنیتی خود به آمریکا بکاهد. با روی کار آمدن ترامپ، اختلافات گسترده ای بین آمریکا و اتحادیه اروپا، بویژه بر سر مسائل دفاعی و نقش و اهمیت ناتو به وجود آمده و باعث شده تا کشورهای اتحادیه اروپا، تقویت تدابیر و سازو کارهای مستقل اروپایی را در زمینه دفاعی و امنیتی مد نظر قرار دهند. همچنین اعلام خروج آمریکا از پیمان نیروهای هسته ای میانبرد (آی ان اف) زمینه افزایش تلاشها برای استقلال دفاعی اروپا را فراهم آورده است و تلاشها برای ایجاد نیروی نظامی مستقل اروپا، تدوین راهبرد جهانی اتحادیه اروپا و نیز ایجاد نهادهای نظامی، امنیتی اروپایی روندی فزاینده به خود گرفته است. فرانسه و آلمان به عنوان مهم ترین کشورهای اتحادیه اروپا در این روند نقش پیشرو را ایفا می کنند و خواهان کسب هر چه سریعتر توانمندی های دفاعی مستقل اروپایی هستند. رئیس جمهور فرانسه معتقد است خروج آمریکا از پیمان نیروهای هسته ای

۱ - اکرمی، طه، «اروپا همچنان بر مدار وابستگی امنیتی به ایالات متحده آمریکا»، اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۶/۷/۱۲

میانبرد، امنیت اروپا را در معرض خطر قرار می‌دهد، لذا تشکیل یک ارتش کاملاً اروپایی برای حمایت اروپا در برابر تهدیدهای خارجی ضرورت دارد.

از سوی دیگر روسیه علاقمندی خود را به همکاری با اتحادیه اروپا ابراز کرده و «سرگئی لاوروف» وزیر خارجه روسیه گفت: اروپا را به عنوان شریکی راهبردی و مستقل تلقی کرده و خواستار مشارکت با کشورهای عضو این اتحادیه هستیم. وی با انتقاد از اعمال برخی تحریم‌ها علیه کشورش، تلاش‌ها در این زمینه را در راستای اهتمام به منظور گسترش روسیه هراسی در جهان دانست و افزود: امنیت اروپایی‌ها توسط آمریکا به گروگان گرفته شده است، اروپا شریک راهبردی برای این کشور بوده و لذا به گسترش همکاری‌های دو جانبه در همه عرصه‌ها معتقدیم و در این راستا نیز تلاش می‌کنیم.^۱

«یوری کریستوفر کوفنر»، مدیر گروه مطالعات اروپا دانشگاه آکادمی اقتصاد مسکو هم معتقد است: آمریکایی‌ها از اتحاد میان اتحادیه اروپا و روسیه (اتحادیه اوراسیایی) واهمه دارند؛ زیرا اتحادیه اروپا می‌تواند با پتانسیل‌های اقتصادی، نظامی و فرهنگی که در خود دارد، نقش اولویتی را از آمریکا در جهان بگیرد و این موضوع منافع لابی‌گران مالی، نظامی و صنعتی را در کاخ سفید به خطر می‌اندازد. از این رو وظیفه اصلی این گروه جلوگیری از ظهور قدرت و پتانسیلی برابر با آنها است. اروپا را نمی‌توان یک بازیگر واحد در نظر گرفت و باید آن را به دو بخش تقسیم کرد: یک بخش (بریتانیا، لهستان و کشورهای بالتیک) هستند که از گذشته به دلایل تاریخی، پیرو سیاست‌های آمریکا در اوراسیا می‌باشند و مبتنی بر سیاست ضد روسیه به کسب منابع اقتصادی و قدرت سیاسی در این منطقه می‌پردازند. اما بخش قابل توجهی از نخبگان کشورهای (فرانسه، آلمان و ایتالیا و حتی اتریش) به همکاری و روابط نزدیک سیاسی و اقتصادی میان روسیه و اتحادیه اروپا تمایل دارند. اما به هر حال ایالات متحده این اجازه را به آنها نمی‌دهد؛ چرا که پس از جنگ جهانی دوم، کشورهای اروپایی تحت فشار سیاسی - نظامی، اقتصادی و فرهنگی آمریکا قرار گرفتند.^۲

■ نتیجه‌گیری

با وجود برخی اختلافات از جمله بحران اکراین شواهد نشان می‌دهد میل به بهبود روابط میان روسیه و کشورهای اروپایی وجود دارد. در دکترین سیاست خارجی روسیه، کرملین بر گسترش هر چه بیشتر تعاملات خود با کشورهای اروپا خصوصاً در حوزه انرژی تأکید کرده و بدون شک نقش انرژی و تأثیر آن بر حجم مبادلات تجاری میان روسیه و کشورهای اتحادیه اروپا این تعامل را دو چندان کرده است. هر چند دولت‌های اروپایی نسبت به برخی سیاست‌های انحصارگرایانه و توسعه‌طلبانه روسیه (الحاق کریمه) نگران هستند اما به نظر می‌رسد در آینده مسکو هم به دلیل تحولات داخلی خود و هم دکترین سیاست خارجی، تهدیدی امنیتی برای اروپا نخواهد بود زیرا روسیه بیشتر تلاش دارد از داشته‌های خود در «خارج نزدیک» حفاظت کند. این دو بازیگر از یک سو نگرانی‌های استراتژیک نسبت به یکدیگر دارند و از سوی دیگر، نیازهای استراتژیک به ویژه در حوزه انرژی و امنیت به یکدیگر آنها را مجاب به همکاری می‌کند.

۱ - فردانیوز، ۱۳۹۷/۱۲/۲

۲ - یورو نیوز، ۲۰۱۸/۲۶/۱۲

اروپا دریافته که دیگر آمریکا تضمین‌کننده بدون چشم داشت امنیت اروپا نیست و از اروپا خواسته تا هزینه‌های تامین امنیت در اروپا را به واشنگتن پرداخت نماید لذا اروپایی‌ها گام‌های قابل توجهی در مسیر ایجاد ساختارهای مستقل دفاعی برداشته‌اند و این به مفهوم کاهش تاثیر و نفوذ آمریکا خواهد بود. این امر به معنای کاهش ظرفیت واشنگتن برای مداخله و نقش‌آفرینی در بحران‌های امنیتی اروپا خواهد بود. اروپا همچنین دریافته راه مناسب برای مقابله با تهدیدات احتمالی روسیه نه تقابل بلکه گفتگوهای راهبردی مشترک است. «زیگمار گابریل» وزیر امور خارجه اسبق آلمان معتقد است برقراری امنیت پایدار در اروپا بدون حضور روسیه غیر ممکن است. وی با تاکید بر اینکه امنیت و ثبات در اروپا در بلند مدت فقط با حضور روسیه امکان پذیر است نه بدون روسیه افزود: اگر روزی با بحران سلاح‌های هسته‌ای مواجه شویم تنها از طریق همکاری با روسیه، آمریکا و چین می‌توانیم با آن مقابله کنیم.^۱

